



روابط ایران و روسیه بہتر از گذشته است

عباس ملکی در گفت‌وگو با دیپلمات



مجتبی فتیحی
روزنامه نگار

اشغال اسرائیل در آمد. اما در سال ۱۹۷۳ این کمک‌ها بیشتر شد و از آن زمان تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ادامه داشت. در علم سیاست گفته می‌شود ژئوپلیتیک چیزی است که تغییر نمی‌کند. به طور مثال تنگه بسفر ربطی به این ندارد که چه رژیم در آن منطقه حاکم باشد؛ امپراطوری بیزانس یا روم شرقی، خلافت عثمانی یا دولت ترکیه.

تنگه بوسفر اهمیت استراتژیک خود را در همه زمان‌ها داشته و دارد. به همین دلیل سوریه یا منطقه شامات منطقه‌ای است که همیشه یکی از مهم‌ترین بخش‌های ژئوپلیتیک جهان بوده است و حضور در این کشور به معنای حضور در شرق مدیترانه و در واقع دسترسی به آبراه‌هایی استراتژیک مهم از این منطقه است که این مساله می‌تواند برای هر کشوری حائز اهمیت باشد به ویژه برای روسیه که در این منطقه از گذشته دارای پایگاهی بوده است که حفاظت از این پایگاه و منافع آن در سوریه دارد برای روس‌ها بسیار مهم است. همین اهمیت استراتژیک هم روسیه را و می‌دارد که سوریه را همچنان به عنوان یک متحد در کنار خود داشته باشد.

اما به نظر می‌رسد که گاهی و در دوره‌های زمانی مختلف اولویت‌های روسیه تغییر می‌کند و تا حدودی از ارزش و اهمیت مسائل استراتژیک به ویژه در منطقه با توجه به تغییر نگاه به غرب خصوصا در دوره ریاست جمهوری دیمیتری مددوف کاهش پیدا کرد. به هر حال اولویت‌های روسیه در دوره بوریس یلسین در گذشته و در دوره آقای دیمیتری مددوف، روسای جمهوری سابق روسیه، تا اندازه‌ای تفاوت کرده بود و آن نگرش اوراسیایی کمتر شده بود و مقداری گرایش به سمت غرب یا پان آتلانتیک بیشتر شده بود. تا اینکه با برگشت مجدد آقای ولادیمیر

صبر روس‌ها به پایان رسید. نزدیک به ۵ سال بیرون گود نشستن و نظاره کردن تحولات سوریه را کنار گذاشته و از ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ (۸ مهر ماه) رسماً وارد میدان شدند. این بار نه در چارچوب سیاسی بلکه تمام قد و در چارچوب نظامی. تا پیش از این حضور نظامی روسیه محدود به حمایت‌های سیاسی و تسلیح نیروی زمینی ارتش سوریه بود. اما روس‌ها با اخذ مجوز قانونی از دولت سوریه به منظور کمک نظامی علیه تروریست‌ها از این تاریخ به بعد به طور مستقیم وارد جنگ داخلی در سوریه شدند و حضور نظامی خود در این کشور را رسمیت بخشیدند. حضور نظامی روسیه در میدان نبرد سوریه تاکنون محدود به حمله هوایی و موشکی علیه داعش و دیگر دشمنان دولت سوریه بوده است. حضوری که تحولات میدانی را با بالا بردن روحیه نظامیان سوری تا حدودی به نفع حکومت بشار اسد تغییر داد. روس‌ها برای این حضور نظامی دلایل متعددی داشتند. اما به گفته دکتر عباس ملکی، معاون سابق پژوهش‌های روابط بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک اهمیت ژئوپلیتیک، سوریه یا شامات که همواره یکی از مهم‌ترین بخش‌های ژئوپلیتیک جهان بوده است و امکان دسترسی به آبراه‌هایی استراتژیک مهم شرق مدیترانه را فراهم می‌کند روس‌ها را و داشت تا تصمیم به حضور نظامی در میدان سوریه بگیرند. ملکی در گفت‌وگو با «دیپلمات» تغییر نگرش روس‌ها به اوراسیاگرایی با روی کار آمدن دوباره ولادیمیر پوتین را نیز مؤثر می‌داند. نگرشی که به گفته او بیش از پیش می‌تواند منافع ملی روسیه را تامین کند؛ منفعی که به عقیده ملکی شامل توجه ویژه به خارج نزدیک و بعد از آن روابط نزدیک با کشورهای است که در بلوک غرب نیستند.

صورت سیاسی و چه به صورت نظامی بر عهده بگیرد.

روسیه و سلف آن اتحادیه جماهیر شوروی از دهه ۶۰ با جمهوری سوریه دارای پیمان استراتژیک بوده‌اند و همیشه این پیمان جاری و ساری بوده است. کمک‌های نظامی اتحادیه جماهیر شوروی از گذشته قابل توجه بود اما به اندازه‌ای هم نبود که سوریه بتواند در جنگ ۱۹۶۷ در برابر اسرائیل مقاومت کند. در جریان این جنگ هم بلندی‌های جولان به

■ روسیه همواره از حکومت بشار اسد حمایت کرده و در همین راستا تاکنون مانع از تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه سوریه شده امروز نیز پس از گذشت نزدیک به ۵ سال از جنگ داخلی در این کشور تصمیم گرفته است که به صورت نظامی وارد این تحولات شود. چه انگیزه‌هایی سبب می‌شود که روسیه همواره نقش یک پشتیبان برای سوریه را چه به

تکرار شود آثار منفی جبران ناپذیری بر کرملین خواهد داشت. به همین دلیل روسیه معتقد است که این شکاف را می‌تواند با روابط نزدیک‌تر با کشورهای اسلامی مدیریت کند. نکته دیگر اینکه این تنها روسیه نیست که به خاورمیانه نگاه مجددی پیدا کرده است. در اکثر کشورها این تغییر نگاه ایجاد شده است؛ البته به جز ایالات متحده آمریکا که به نظر می‌رسد که ناشی از اولویت پیدا کردن آسیای شرقی برای این کشور است. وگرنه بقیه کشورها این نگاه جدی به خاورمیانه را پیدا کرده‌اند. مثلاً انگلستان در حال ساخت بندر جدیدی در بحرین است. فرانسه هم در حال ایجاد یک پایگاه جدید در خلیج فارس است و حتی ترکیه هم سیاست سال‌های اخیرش نگاه مجددی به خاورمیانه داشته است. بنابراین تغییر نگاه روسیه و تمرکز این کشور بر خاورمیانه چندان غیرمنتظره نیست.

■ برخی معتقدند در پی حضور نظامی روسیه در بحران سوریه، با پیچیده‌تر شدن اوضاع در سوریه و از دست رفتن فرمان تصمیم‌گیری تصمیم‌سازی در صحنه داخلی این کشور از دست غربی‌ها، سیاست‌های غرب که روزی به طور مطلق سودای برکناری بشار اسد از قدرت را داشتند را دچار شکست شده است. آیا واقعا این حضور نظامی منجر به شکست سیاست‌های غرب در سوریه شده است.

این بستگی به آینده دارد چون چند حمله نظامی از طریق هوا نمی‌تواند خیلی وضعیت

پوتین این موضوع تا اندازه‌ای به نفع کسانی که اوراسیایی فکر می‌کنند تغییر پیدا کرد و بر همین اساس ملاحظه می‌شود که روابط روسیه با جمهوری اسلامی ایران و بقیه کشورهای آسیایی یک منحنی صعودی را طی کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد که این غفلتی که در سال‌های اخیر در سیاست خارجی روسیه در قبال سوریه بود توسط هیات حاکمه جدید روسیه تغییر کرده است که در واقع همین مسیر، مسیر طبیعی منافع ملی روسیه محسوب می‌شود. منافع ملی روسیه عبارت است از توجه ویژه به خارج نزدیک و بعد از آن روابط نزدیک با کشورهای که در بلوک غرب نیستند.

■ امروز پس از گذشت نزدیک به ۵ سال از جنگ داخلی در سوریه شاهد حضور نظامی روسیه در تحولات سوریه هستیم، چه انگیزه‌های دیگری به غیر از اهمیت استراتژیک سوریه و همچنین وجود پیمان استراتژیک بین دو کشور در این حضور موثر بوده است؟ به عقیده شما آیا در این حضور نظامی روسیه، تحولات اوکراین و تلاش غرب برای به انزوا کشاندن روسیه در عرصه بین‌المللی با اعمال تحریم‌ها به دلیل عدم همراهی با سیاست‌های غرب و جدایی کریمه از اوکراین و الحاق این جزیره به خاک روسیه موثر بود؟ برای آنکه روس‌ها نمایش قدرتی به راه بیندازند و اعلام کنند که سیاست‌های به انزوا کشیدن این کشور موثر نبوده است؟

به نظر می‌رسد که موضوع سوریه مهم‌تر از اوکراین در پرونده سیاست خارجی روسیه است. یعنی اگر اوکراین هم پیش نیامده بود روسیه به صورت منطقی برای حفظ منافع ملی خودش در خاورمیانه فعال می‌شد کما اینکه الان تنها روابط روسیه با سوریه فعال نشده است. روابط روسیه با مصر، ایران و سایر کشورهای منطقه خاورمیانه با وجود اختلاف نظرهایی که در خصوص تحولات منطقه‌ای ممکن است وجود داشته باشد بهتر از گذشته است.

■ چرا روسیه بر خاورمیانه متمرکز شده است؟

روسیه برای خودش استراتژی تا سال ۲۰۵۰ تعریف کرده است که بر مبنای آن ارتباط بیشتر با کشورهای اسلامی به یک اصل تبدیل شده است. در این میان بروز تحولات اوکراین تسهیل‌کننده اجرای این استراتژی شد و نه اینکه موجب این تغییر نگرش یا تغییر استراتژی شده باشد. همانطور که عرض شد برای روسیه همکاری با کشورهای اسلامی دارای منافع گوناگونی است. از جمله مساله همکاری‌های انرژی، مساله بازارهای جدید و چیزهایی از این قبیل. اما در عین حال یک مساله داخلی هم این تغییر استراتژی را در روسیه به وجود آورده است. بالاخره درصد قابل توجهی از جمهوری فدراتیو روسیه مسلمان هستند و اگر بی‌توجهی که کشورهای غربی نسبت به اقلیت‌های مسلمان خود انجام دادند یا فشارهایی که به آنها در روسیه می‌آمد



روسیه برای خودش استراتژی تا سال ۲۰۵۰ تعریف کرده است که بر مبنای آن ارتباط بیشتر با کشورهای اسلامی به یک اصل تبدیل شده است. در این میان بروز تحولات اوکراین تسهیل‌کننده اجرای این استراتژی شد و نه اینکه موجب این تغییر نگرش یا تغییر استراتژی شده باشد. همانطور که عرض شد برای روسیه همکاری با کشورهای اسلامی دارای منافع گوناگونی است.

موضوع سوریه مهم‌تر از اوکراین در پرونده سیاست خارجی روسیه است. یعنی اگر اوکراین هم پیش نیامده بود روسیه به صورت منطقی برای حفظ منافع ملی خودش در خاورمیانه فعال می‌شد کما اینکه الان تنها روابط روسیه با سوریه فعال نشده است. روابط روسیه با مصر، ایران و سایر کشورهای منطقه خاورمیانه با وجود اختلاف نظرهایی که در خصوص تحولات منطقه‌ای ممکن است وجود داشته باشد بهتر از گذشته است